

چرا بزبان عربی خدا را عبادت میکنیم؟

۱- بطوریکه می دانیم همه مسلمانان مراسم مذهبی خود پرستش خداوند را بزبان عربی انجام میدهند. و نمازهای پنجگانه را بزبان عربی می خوانند یا این معنی که در ضمن ادای نماز، آیاتی از قرآن کریم و جملات دیگری را نیز بزبان عربی بر زبان میرانیم تا اینکه خلعت مقام و قداست ذات خدای عزوجل و حقارت و کوچکی و ناچیزی بشر را بشنوسیم. ابراز کنیم. این عمل را عرب و غیر عرب، حتی کسانی که کلمه عربی نمی دانند، همه یکسان بجای می آورند، و نیز این عمل چه در دوران حیات رسول اکرم (ص) و چه پس از رحلت آنحضرت تا امروز رایج بوده و هست و در تمام کشورهای اسلامی که هر یک زبان خاصی دارند، نماز بر عربی خوانده می شود.

۲- در بادی امر چنین بظن می رسد که اگر هر کسی خدا را بزبان که میداند عبادت کند، معقولتر و مطلوبتر است، زیرا بخوبی می داند که چه می گوید، و بدون تردید، زبان مادری بهترین وسیله ادای منظور است تا هر کسی خدا را بان وسیله عبادت کند، ولی پس از آن که در این باره تأمل بیشتری بکار برده شود و قدری عمیق شویم می بینیم جهات و دلایل قوی تری در برابر این نظر وجود دارد.

۳- این معنی جانب توجه است که بعقیده جمعی مسلمانان، قرآن کلام خداست و شان مسلمانان اقتضا دارد که مسلمانان رعایت این منظور را بنمایند و کلام خدا را بهمان صورتی که نازل شده قرائت کنند از تنقل نظر معنوی و روحانی، این نکته روشن آشکار است و با توجه باین معنی باید گفت: «مؤمن در این سفر روحانی با سرعابه سخن خدا حرکت میکند و با همان زبان تکلم بنماید».

کلمات اصلی بزبان عربی - بصورت وحی ابلاغ شده است و هر ترجمه ای که از آن کلمات بشود، کارش خواهد بود و کمتر اتفاق می افتد که کلمات ساخته بشر برای این سفر اسرارآمیز روحانی کافی باشد.

۴- کسانی که در جستجوی دلایل دنیوی هستند باید متذکر باشند که «دعا» بمعنی تضرع و زاری و درخواست و طلب از پروردگار، با نماز بمعنی عبادت خدا تفاوت

زیادی وجود دارد.

باین بیان که: دعا بطور کلی، و خارج از طریق معمولی و وسیله ای که جنبه عبادت ندارد، و دعا کننده با خدا روبرو میشود. و ضمناً دارد که هیچکس نمیتواند کوچکترین مخالفتی را ابراز کند، در مکتب دینی ما نمی وجود ندارد که شخصی بزبان اختصاصی خودش - در هر حالیکه باشد و هر وحشی که داشته باشد، احتیاجات خودش را بزبان غیر عربی بر خدا عرضه بدارد زیرا این مسئله صرفاً جنبه شخصی و فردی دارد و امری است خصوصی راجع بارتباطات فرد است با آفریدگار که مستقیماً صورت میگیرد؛ و البته هر کسی آزاد است که در هر حالی که دارد آنچه را میخواهد بزبان معمولی خودش از خدا بخواهد، برعکس، مسئله نماز صورت دیگری دارد زیرا امری است دسته جمعی و عمومی. و در نماز احتیاجات و ضروریات سایر افرادی که در این عمل شرکت دارند باید در نظر گرفته شود؛ و نماز باید در قالبی ریخته شده باشد که بطور کلی با جماعت ادا شود؛ گویا اینکه اذای نماز بتهنایی (بصورت فرادا) منع نشده است ولی با جماعت ترجیح دارد. و باید از نزدیک استیلازات نماز جماعت را در نظر گرفت و بررسی آنرا بر نشان فردی سنجید.

این نکته پس حالب است که هر نمازگزار می حتی در موقعیکه به تنهایی نماز میخواند باید خود را در اجتماع بدینند. (و بیسوسن دلیل است که افعال را بصورت جمع و همچنین تقاضا را نیز بصورت جمع بیان میکنند و مثلاً میگوید: ما تو را عبادت میکنیم و از تو کمک میخواهیم ما را بر امر است هدایت کن و حق تعالی بگوید: من تو را عبادت میکنم ما را بر امر است هدایت کن مترجم) اگر اسلام دین نژادی یا ملی بود؛ البته هر کسی میتواند زبان رایج و معمول همان ناحیه و منطقه را برای عبادت بکار برد، در صورتیکه میدانیم اسلام دینی است جهانی و اطفاوی جامعه اسلامی همهجا زبان تکلم میکنند هیچ زبانی برای جمعیت های دیگر که در مناطق مختلف و نواحی گوناگون کره زمین زندگی میکنند مفهوم نیست.

زندگی ما در حال حاضر بیشتر از بیشتر جنبه بین المللی بخود می گیرد، و هر شهری مسلمانانی دارد که زبانهای مختلف سخن میگویند. چنانچه افرادی که متبع آتشپرست باشند و چه افرادی که در حال عبور باشند، و شخصی مسلمان ناگزیر است که آداب معاشرت و طرق مهمان نوازی را نسبت به بیگانهگان مراعات کند تصور کنید یک نفر انگلیسی مسلمان بدجور می رود و در حین عبور از خیابان می شنود که کسی میگوید:

(Ching , Chang ' Chvng)

چنگ چانگ ، چونگه

یعنی خدا بزرگ است (الله اکبر)

بدیهی است شنونده رهگذر معنی این کلمات را نخواهد فهمید و اگر ترجمه محلی ندای دعوت به نماز باشد ، معنی « الله اکبر » شخص رهگذر چیزی از آن درک نخواهد کرد و نماز جمعه و نماز جماعت را از دست خواهد داد

و اتفاقاً مساجد در چین معمولاً شاهی بمساجد فرانسه و انگلستان یا جاهای دیگر مشرق زمین ندارند و فاقد گلدسته و مناره است) و همچنین بکنفر چینی مسلمان مثلاً به کشورهای دیگری مسافرت میکند اگر هم یکشان وی بزبان خودشان اذان بگویند و خدا را بزبان خودشان عبادت کنند چیزی نخواهد فهمید .

در اینصورت يك مذهب جهانی مشترکات اساسی لازم دارد که در بیان همه پیروان آن رایج باشد دعوت به نماز و فورمولها اینکه در عمل عبادت باید رعایت شود ، قسمتی از اجزای اصلی و اساسی عمل باین فرهنگ را تشکیل میدهد .

نکته دیگری که در کار است باید مورد توجه قرار گیرد . این است که : بازه ای کلمات در دو زبان مختلف از لحاظ تلفظ شبیه یکدیگر و در معنی مخالف یکدیگر اند ، وجهی بسا که يك کلمه ای در برابر کلمه مشابه ، معنی مضمتکی داشته باشد ؛ یعنی خطری در مورد زبانیکه شخص با آن مأوس نیست در ضمن مسافرت پیش می آید و همین معنی برخلاف مطلوبی است که باید در عبادت خدای متعال رعایت شود ؛ ولی اگر کسی با کلمات مربوط به عبادت از دوران کودکی ؛ شخص را از ارتکاب اینگونه اشتباهات برکنار میدارد گو اینکه شخص يك فرد عربی نباشد و فورمولهای لازم را بزبان عربی بیان کند . (بقیه در شماره آینده)

سوئیس بیش از هر کشوری روزنامه دارد .

در کشور پنج میلیون نفری سوئیس نسبت به مساحت خاکش بیش از هر کشور دیگر روزنامه و مجله منتشر می شود .

در ۲۲ کانتون این کشور ۳۷۰ روزنامه بر مبنای ۱۳۰۰ مجله و نشریه هفتگی وجود دارد که بزبانهای فرانسوی ، آلمانی ، ایتالیایی منتشر می شود .

همانکه تیراژ سده ۱۹ این روزنامه ها از پنج هزار نسخه تجاوز نمی کند و فقط صدی بیست و يك آنها بیش از ده هزار تیراژ دارند .